

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دپلوم انجنیر نسرين معروفی

۰۴ جنوری ۲۰۱۵

تجلیل سال نو و یا اغراق در بوالهوسی

قبل از این که به اصل هدفم از تحریر این مضمون بپردازم، جهت معلومات مختصر توجه تان را به پاسخ نکات آتی جلب می نمایم:

چرا آتشبازی در کل صورت می گیرد؟ عنعنات آتشبازی در تجلیل از سال نو و یا کرسمس از کجا نشأت کرده؟ چرا هر سال به تاریخ ۳۱.۱۲ آتشبازی با سرو صدا و با فیر راکت ها به هوا بر پا می شود؟

تاریخچه آتشبازی در اروپا بر می گردد به قرن سیزده میلادی، اما تا جایی که از مطالعات تاریخی بر می آید، آتشبازی برای بار اول در چین و آنهم در زمانی که امپراتوری سانگ دوناستی برقرار بود، صورت گرفته است. امپراتوری سانگ برگزاری قدرت و حاکمیت خود را ذریعه روشنائی نی، بلکه از طریق تأثیر مواد منفجره و یا انفجار در معرض نمایش قرار دادند.

دودمان سانگ یکی از دودمانهای حاکم بر چین بود که بین سالهای ۹۶۰ الی ۱۲۷۹ میلادی بر چین فرمان می راند. دودمان سانگ به دو بخش تقسیم شده بود یکی سانگ شمالی و دیگری سانگ جنوبی. سرسلسله این دودمان امپراتور تایزو بود که از سال ۹۶۰ الی سال ۹۷۶ پادشاهی کرد و به همین ترتیب حکمرانی این دودمان در شمال و جنوب از سال ۹۶۰ الی ۱۲۷۹ ادامه پیدا کرد.

در اواخر قرن چهاردهم میلادی بود که مردم در کشور ایتالیا به ابتکار خود و با استفاده از باروت سیاه، به آتشبازی شکل هنری دادند، هنر آتشبازی از آن به بعد در تمام اروپا رواج پیدا کرد. در کشور چایان در زمینه هنر آتشبازی انکشافات بیشتری صورت گرفت، طوری که به نام "گللهائی از آتش" نامیده می شد. مگر در چین استفاده از آتشبازی فقط در مراسم مذهبی مردم صورت می گرفت.

یکی از عنعنات قدیمی قوم جرمن است که در شب ۳۱ دسمبر راکتها را به هوا فیر می کنند. طوری که دیده می شود هنوز هم پایند به این عنعنات خود هستند و تا به امروز برگزاری می کنند. قوم جرمن در قدیم اعتقاد داشتند که خدای جنگ شریر به نام وِتان وجود دارد. این خدای جنگ در ماه های سرد و تاریک زمستان باعث اضطراب و آشفتگی می شود، به خصوص می خواهد در شب ۳۱ دسمبر بلا و مصیبت را به بار بیاورد. در قرون اوسطی قوم جرمن به این عقیده بودند که در این "شب خشن" عالم ارواح در مرده ها در حرکت می آیند و به سراغ مردم می روند.

جهت راندن ارواح خبیث و شریر، عرابه های چوبی را آتش می زدند و آنها را از بلندی ها به سمت پائین رها می کردند. همچنان با دیگ و کاسه سرو صدا ها را بر پا می نمودند. بعداً در کنار این همه سرو صدا ها از ترومپیت و بعضی آلات موسیقی دیگر هم استفاده می کردند. شکارچیان اجازه داشتند که با تفنگهای خود فیر نمایند.

بدین سان دیده می شود که از عنعنات آتشبازی و فیر راکتها به هوا، نه تنها المانها بلکه مردم در اکثر کشور های اروپائی، امریکا و بعضی کشور های دیگر جهان پیروی می کنند. آتشبازی تنها مربوط سال نو و یا کرسمس نیست، بلکه در روز های تعطیلی مربوط هر کشور هم آتشبازی صورت می گیرد. در امریکا در روز آزادی این کشور، در جشنهای ملی کشور اتریش و سوئیس، در فیسستوال موسیقی و همچنان در تجلیل از وقایع مهم سپورتی.

سالانه میلیونها دالر و یورو جهت آتشبازی در این جشنها به مصرف می رسد. به این مفهوم که میلیونها دالر و یورو از جیب خلقها به هوا پرتاب می شود، منفعت خلقها از آن فقط دود و خاکستر است و بس، یکی از شهکاری های شیطانی سرمایه داران است که در مدت یکی دو ماه با ده ها چال و نیرنگ قادر می شوند تاجیب خلقها را خالی کنند. محیط زیست آنها را با گرد و خاک مواد کیمیائی خفکان آور و آلوده بسازند. ولی در مقابل اهداف و منافع صاحبان صنایع تولید برآورده می شود. صاحبان صنایع تولید جهت فریب خلقها در صدد اند، تا هر سال به تولیدات آتشبازی و راکتها، اشکال و رنگهای مختلف بدهند تا بیشتر بتوانند توجه خلقها را به تولیدات خود در زمینه جلب نمایند. خلقها هم که یک سال را با زحمات کار و بیدار خوابی سپری نمودند، حاضر هستند به خاطر یک شب خوشی و خوشگزرانی و تجلیل از سال نو از مصرف و دادن پول در این راه دریغ نوزند.

طبق احصائیة داده شده در سال ۲۰۱۴ تنها در المان ۱۲۰ میلیون یورو مصارف آتشبازی در سال نو و یا کرسمس بوده. علاوه بر مصارف آتشبازی، پولی را که در کرسمس و سال نو میلادی جهت اقدامات امنیتی در کلیساها و مراکز تجمع مردم در نقاطی که این جشن برپا می شود، باید هم در نظر گرفت. پس به صراحت می توان گفت که در همین یک شب میلیونها دالر و یورو به مصرف می رسد.

در حالی که تجلیل از سال نو و یا کرسمس در کشورهای امپریالیستی ناتوی و امپریالیسم امریکا با شادی و خوشی، آتشبازی و فیر راکت و مصرف میلیونها دالر و یورو برگزار می شود، در دیگر نقاط جهان خلقهای بی پناه و بی سلاح به دستور امپریالیستهای آدمکش مورد بمباران نیرو های متجاوز و استعمارگر قرار می گیرند. امپریالیستها و تروریسم امپریالیستی و ارتجاعی آنها نه تنها باعث کشت و کشتار خلقها می شوند بلکه خود قاتل، شکنجه گر و مسبب هزاران مصیبت دیگر هستند.

با جنایات امپریالیستها علیه بشریت در سال گذشته یعنی ۲۰۱۴، ده ها هزار انسان جان باختند و میلیونها انسان با فرار از مرگ آواره و دربه در شدند. فضای رعب و وحشت را در درون جوامع، که باعث رنج و عذاب و شکنجه های روحی مردم میگردد، گسترش دادند. این جنایتکاران خلقهای جهان را به سرحدی رساندند که حتا قادر نیستند نیاز های ابتدائی زندگی خود را برآورده سازند. در قاره افریقا کشورهایانی است که خلقهای آن امروز آب اشامیدنی ندارند، مبتلا به امراض گوناگون هستند. در کشور های آسیائی خلقها بی خانه و بی کاشانه و شکم گرسنه با سردی زمستان دست و پنجه نرم می کنند. آیا در چنین شرایطی کشور های غارتگر نمی توانند با میلیونها دالر و یوروئی که در یک شب، جهت برگزاری سال نو به مصرف می رسانند، جان هزاران انسان را نجات بدهند؟

ناگفته نباید گذاشت که اگر تولیدات صنایع آتشبازی را با مقایسه به تولیدات صنایع نظامی کشور المان در یک سال در نظر بگیریم به یقین که یکی میلیون است و دیگری به بلیون یورو می رسد. اما تفاوت بین این دو صنعت تولید در این است که اولی جهت خوشنودی و خوشگزرانی و همچنان راضی نگهداشتن درحقیقت خاموش نگهداشتن خلق های کشور المان است. دومی جهت قتل و قتل و به خاک و خون کشیدن خلقها و کشور هائی مانند افغانستان، سوریه، عراق و....

می باشد. بیرحمی امپریالیستها در کشور هائی را که مورد تهاجم قرار داده اند، در جهان نظیر نداشته، اگر به کشور ما افغانستان نظر بیندازیم، دیده می شود که امپریالیستها و تروریسم امپریالیستی و ارتجاعی از هیچ نوع فجایع در حق مردم ما دریغ نورزیده اند. منابع کشور ما را در تسلط خود درآوردند و هر روز غارت می کنند. امپریالیستها و موکران شان به شمول افغانهای خابین و خود فروخته در صدد اند تا با تبلیغ فرهنگ استعماری، روحیه مبارزاتی مردم ما را در هم بشکنند. تضاد های تابع و درجه دو و سه بین خلقها را دامن می زنند تا مانع اتحاد و همبستگی آنها گردند. پس آیا تمام این مسایل انسان را به تعمق و تعمق وانی دارد، تا هر قدر توان داریم وامکانات برای ما میسر است علیه سیستم ضد انسانی، خاننان و خودفروختگان، در راه آزادی کشور و بهروزی خلق افغانستان، مبارزه را در سرخط زندگی قرار دهیم؟ اگر وجدان و احساس انسانی و علاقه به کشور و مردم خود داریم، یک لحظه هم نباید از آن عدول نمائیم.